

مؤلفه‌های معنایی «یهود» در قرآن بر اساس روابط همنشینی

karimii@isu.ac.ir

محمود کریمی / دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق علیه السلام

shafiei712@yahoo.com

فاطمه شفیعی / کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

دریافت: ۱۳۹۵/۸/۲ - پذیرش: ۱۳۹۶/۱/۱۵

چکیده

یهود قومی است که در قرآن کریم در مقایسه با اقوام دیگر بیش از همه کانون بحث قرار گرفته و بارها به مخالفت و دشمنی آنها با اسلام اشاره شده است. با توجه به فراوانی ذکر این قوم و نقل مکرر داستان بنی‌اسرائیل در قرآن کریم، شناخت دقیق آنها برای جامعه اسلامی ضروری می‌نماید. بدیهی است منبع اصلی در اسلام برای کسب این شناخت، قرآن کریم است. یکی از شیوه‌های نوظهور در کشف مقصود و معنای قرآن در موضوعات مختلف معنانشناسی واژه‌ها و عبارات قرآنی است. بر این مبنا، معنانشناسی «یهود» در قرآن، می‌تواند شناخت دقیقی از این قوم ارائه دهد. در این مقاله، با کشف همنشینی‌های هریک از واژه‌های دال بر «یهود» در قرآن و بیان فراوانی آنها، مؤلفه‌های معنایی «یهود» در قرآن اعم از مؤلفه‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی به دست آمده است. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: انکار خدا، تجاوزگری، پوشاندن حقایق، نافرمانی در برابر خدا و پیامبران، گرایش به مادیات، تکبر، پیمان‌شکنی، عداوت و دشمنی، استهزاء، ضلالت و اضلال، اختلاف، جهالت، ترس، حسادت و نفاق.

کلیدواژه‌ها: یهود، بنی‌اسرائیل، اهل کتاب، معنانشناسی یهود.

در قرآن کریم از اقوام مختلفی نام برده شده و خداوند به فراخور حال و شرایط، برای آگاهی و عبرت مسلمانان، سرگذشت این اقوام را بیان، و همواره به مطالعه و تفکر دربارهٔ اقوام گذشته، رفتار و گفتار و عاقبت ایشان سفارش کرده است.

در این میان، قومی که بیش از همه مورد اشارهٔ آیات قرآن قرار گرفته، قوم حضرت موسی علیه السلام یا «یهود» است؛ تا آنجا که نام این قوم و پیامبرشان بیش از دیگر اقوام و انبیا در قرآن آمده است. نکتهٔ مهم دربارهٔ یهود، دشمنی ایشان با مؤمنان است؛ موضوعی که در قرآن به صراحت بیان، و بر آن تأکید شده است. قرآن کریم یهود را یکی از جدی‌ترین دشمنان مؤمنان معرفی می‌کند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا...» (مائده: ۸۲). از سوی دیگر، در میان مصادیق دشمن در قرآن، یهود بیشترین فراوانی را دارد و این دشمنی بیش از همه با خدا، پیامبر و مؤمنان و به عبارت دیگر با دین خداست (شفیعی و کریمی، ۱۳۹۱، ص ۵۶ و ۱۱۳).

با توجه به اهمیت و ضرورت شناخت دشمن و از آنجا که قوم یهود از سرسخت‌ترین آنهاست، این مقاله در پی کشف مؤلفه‌های معنایی «یهود» و شناخت این قوم از منظر قرآن است و برای دستیابی به این هدف مهم، روش معناشناسی را برگزیده است.

معناشناسی، شاخه‌ای از علم زبان‌شناسی است که با بررسی روابط هم‌نشینی، جانشینی و تقابلی یک واژه در زبان، به کشف معنای آن می‌پردازد. معناشناسی، شیوه‌ای نوظهور در مباحث قرآنی است و از آنجا که واژگان قرآن را بر اساس خود قرآن تبیین می‌کند، بیش از همه به تفسیر قرآن به قرآن نزدیک است و یکی از روش‌های سودمند و مؤثر در فهم مقصود خداوند دربارهٔ موضوعات قرآنی است.

از جمله مواردی که بررسی معناشناسانهٔ یهود در قرآن را ضروری می‌نماید، ضعف کتب لغت و تفاسیر در ارائهٔ تصویری روشن از این قوم است. یهود، در کتب لغت از دو جنبه بررسی شده است:

۱. به‌عنوان واژه‌ای عربی، از ریشهٔ «هود» به معنای توبه و بازگشت؛ در این صورت، علت نام‌گذاری قوم حضرت موسی علیه السلام به «یهود»، بازگشت و توبهٔ ایشان از گوساله‌پرستی است. اصل «هود»، از آهستگی و سکون و نرمی و مداراست و اینها همه حالاتی هستند که در توبه وجود دارند (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۲۹۴)؛

۲. به‌عنوان واژه‌ای معرب، که از زبان عبری به زبان عربی وارد شده و در حقیقت ریشهٔ عبری دارد؛ در این حالت، واژهٔ یهود برگرفته از نام یهودا پسر بزرگ حضرت یعقوب علیه السلام است که با ورود به زبان عرب به یهودا تغییر یافته و فرزندان وی را یهودی نامیده‌اند (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۷۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۳۹ و ۲۷۹؛ مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱، ص ۲۹۴).

البته دربارهٔ یهود و مباحث پیرامون آن در قرآن، تحقیقات بسیاری صورت گرفته که نتایج آنها به صورت کتاب، مقاله و پایان‌نامه ارائه شده است. این آثار، کم‌وبیش به روش تفسیر موضوعی نوشته شده‌اند. در این منابع

ویژگی‌های یهود در قرآن، به‌عنوان یک موضوع فرعی و در برخی موارد جزئی مطرح شده، و با اشاره‌ای گذرا و بیان نمونه‌هایی از آیات قرآن بدون اشاره به فراوانی هر یک، مطلب به پایان رسیده است. آثار مذکور نه‌تنها اوصاف یهود در قرآن را به‌طور کامل استقصا نکرده‌اند، بلکه به استخراج مؤلفه‌های معنایی یهود نیز که هدف این مقاله است مبادرت نکرده‌اند. بنابراین مقاله حاضر از نظر روش، استقصای مطالب و استخراج مؤلفه‌های معنایی، کاری نو به‌شمار می‌آید.

مطالعه معناساختی یهود در قرآن می‌تواند دریچه‌های تازه‌ای را در این موضوع پیش‌روی محققان بگشاید و راه را برای ورود به این بحث از جنبه‌های مختلفی که تاکنون مورد توجه نبوده‌اند هموار کند. جنبه دیگر نوآوری در این مقاله، پرداختن به آمار و فراوانی‌هاست. در این‌باره این توضیح لازم است که فراوانی‌های ذکر شده در این مقاله، نتیجه یک پژوهش کاملاً شخصی در محدوده آیات حوزه معنایی «یهود» است و از منبع خاصی اقتباس نشده؛ زیرا چنین منبعی وجود ندارد.

با توجه به آنچه گفته شد، این مقاله بر آن است تا مؤلفه‌های معنایی «یهود» در قرآن را بر اساس روش معناسازی، و با توجه به گستردگی کار، تنها بر محور روابط همنشینی کشف و بیان کند و بررسی دیگر ابعاد معناسازی را به مجالی دیگر واگذارد. در این مقاله برای رعایت اختصار، فراوانی هر واژه به صورت یک عدد داخل پرانتز آمده و از ذکر آدرس آیات و متن آنها پرهیز شده است.

۱. واژه‌ها و عبارات دال بر «یهود» در قرآن

قرآن کریم، در آیات بسیار و با واژه‌ها و عبارات مختلفی به مبحث «یهود» پرداخته است، که هرچه این واژه‌ها و عبارات، بهتر شناخته و دقیق‌تر بررسی شوند، شناخت قرآنی جامع‌تری از موضوع بحث به دست خواهد آمد. بدیهی است که در این پژوهش، مراد از یهود، قوم یهود است و هر عبارتی که در قرآن به این قوم دلالت کند.

براین‌اساس برای کشف مؤلفه‌های معنایی یهود در قرآن، بر اساس روش معناسازی، در مرحله نخست، کشف واژه‌ها و عبارات دال بر آن، ضروری است. بررسی آیات مختلف قرآن در این موضوع، نشان می‌دهد که واژه‌ها و عبارات ذیل بیشترین فراوانی را در دلالت بر قوم یهود دارند:

بنی اسرائیل (۴۰)، اهل الكتاب (۳۱)، اوتوا الكتاب (۳۰)، یهود (وهادوا) (۲۲)، قوم موسی (۲۱) (رک: پیوست ۱).
در حقیقت، این واژه‌ها و عبارات، یا مستقیماً (یهود، بنی اسرائیل و قوم موسی) یا به صورت غیرمستقیم (اهل کتاب و اوتوا الكتاب) و بر اساس بافت کلامی و غیر کلامی و یا بنا بر تفسیر آیات، به قوم یهود اشاره دارند.
در این‌باره توجه به چند نکته ضروری است:

۱. هرچند قوم یهود، در قرآن با واژه‌ها و عبارات مختلفی مورد اشاره قرار گرفته است، ولی بررسی این واژه‌ها و عبارات در آیات مختلف، نشان می‌دهد که این قوم در طول تاریخ حیات خود، یعنی از زمان حضرت موسی تا زمان پیامبر اسلام، یک جریان پیوسته و دارای ویژگی‌های ثابت و شناخته‌شده است؛ زیرا:

۱. برای این قوم، در آیات مربوط به زمان حضرت موسی علیه السلام و دیگر پیامبران از جمله پیامبر اسلام، ویژگی‌های مشترک به دست می‌آید (جدول ۲):

۲. در بسیاری از آیات قرآن، یهود زمان پیامبر اسلام، با لفظ بنی‌اسرائیل مورد خطاب قرار گرفته‌اند و یا رفتار بنی‌اسرائیل به ایشان نسبت داده شده و یا برای رفتار بنی‌اسرائیل، مورد مؤاخذه قرار گرفته‌اند (رک: بقره: ۱۰۴-۴۰ و ۲۱۱؛ نساء: ۱۷۵-۱۷۳):

۳. در برخی موارد، در آیاتی با بافت کلامی مشترک (درباره قوم یهود) مشاهده می‌شود که خطاب‌های اهل کتاب، بنی‌اسرائیل و یهود، همه در کنار هم قرار گرفته‌اند (مائده: ۸۲-۷۷؛ بقره: ۱۲۳-۴۰).

این موارد، از جمله دلایلی است که با توجه به آنها می‌توان واژه‌ها و عبارات یادشده را به‌عنوان مترادف یا مکمل معنای واژه یهود در قرآن، بررسی کرد:

۴. قرآن هیچ‌گاه تمام قوم یهود را در یک گروه قرار نداده است، بلکه در عین اینکه از مخالفت و حق‌گریزی گروهی از آنها که اکثریت هم هستند سخن گفته، از گروه مؤمنان آنها نیز هرچند اندک باشند، تمجید کرده است (برای نمونه، رک: آل‌عمران: ۱۱۳-۱۱۵؛ نساء: ۱۶۲). این تقسیم‌بندی درباره تمام واژه‌ها و عباراتی که در این نوشته بررسی شده‌اند، صادق است. بدین ترتیب آیات مربوطه از همان ابتدا به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروه اول آیات اندکی که به ایمان یهود، بنی‌اسرائیل، قوم موسی، اهل کتاب، اوتوالکتاب و مؤمنان این قوم اشاره دارند (بقره: ۱۲۱و۱۲۲؛ آل‌عمران: ۷۵و۱۱۳و۱۱۵؛ نساء: ۱۶۰و۱۶۱؛ مائده: ۶۶و۶۹؛ انعام: ۸۹ و ۱۱۴؛ شعراء: ۱۹۷؛ قصص: ۵۲ و...) و گروه دوم آیات فراوانی که به ویژگی‌های منفی گروه‌های مزبور اشاره کرده‌اند.

از آنجاکه گروه اول در اقلیت‌اند و اکثریت یهود در قرآن کریم، همان گروه دوم هستند و با در نظر گرفتن این نکته که اصولاً در میان یهود، کسانی که مؤمن و حق‌جو بودند، به دین بشارت داده‌شده به ایشان، یعنی اسلام، گرویدند، آیات گروه اول از حوزه بررسی این پژوهش خارج می‌شوند و مبنای کار در معنانشناسی «یهود»، آیات دسته دوم خواهند بود:

۵. توجه به بافت کلامی و غیرکلامی از یک‌سو و اظهارات مفسران از سوی دیگر، نشان می‌دهد که در قرآن، عبارات «اهل‌الکتاب» و «اوتوا الکتاب»، بر سه گروه اطلاق شده است: ۱. یهود، ۲. نصارا، ۳. یهود و نصارا با هم. از آنجاکه موضوع این نوشته قوم یهود است، بدیهی است که تنها آیات مربوط به گروه اول و سوم در دستور کار قرار می‌گیرند. لازم به توضیح است در مواردی که توجه به بافت کلامی و غیرکلامی و یا تفاسیر آیات چنین می‌نماید که در آیه موردنظر، واژه یا عبارت مورد استناد، صرفاً بر یهود دلالت دارند، آن مورد در گروه یهود شمارش شده است؛ ولی در مواردی که چنین برهانی به دست نیامده، خطاب به صورت عمومی (یهود و نصارا) آمده و یهود جزئی از آن عبارت منظور شده است.

بدین ترتیب فراوانی آیات مورد استناد در این تحقیق، به شرح زیر است:

جدول ۱

مؤمنین یهود	غیر یهود	یهود و غیر یهود	یهود (غیر مؤمن)	فراوانی در قرآن	واژه یا عبارت	مؤمنان یهود	غیر یهود	یهود و غیر یهود	یهود (غیر مؤمن)	فراوانی در قرآن	واژه یا عبارت
۲	۱	۱۵	۱۳	۳۱	اهل کتاب	۳	-	-	۱۹	۲۲	یهود/ هادوا
۶	-	۱۷	۷	۳۰	اوتوالکتاب	۳	-	-	۳۷	۴۰	بنی اسرائیل
						۲	-	-	۱۹	۲۱	قوم موسی

۲. مؤلفه‌های معنایی «قوم یهود» بر محور همنشینی

واژه‌ها و عباراتی را که از بررسی همشینی‌های یهود (در تمام واژه‌های ذکر شده) در آیات قرآن به دست می‌آیند، می‌توان ذیل دو مبحث کلی قرار داد. نخست: ویژگی‌های یهود در قرآن و دوم: عاقبت و سرانجام این قوم.

۱-۲. همشینی‌های بیانگر ویژگی‌های یهود در قرآن

بررسی روابط همنشینی در آیات حوزه معنایی یهود، ۴۴ ویژگی را به‌عنوان همشینی‌های این قوم برای ما آشکار می‌کند. این ویژگی‌ها به‌طور کلی روابط یهود را با هشت گروه بیان می‌کنند. در این قسمت، این ویژگی‌ها که در حقیقت واژه‌ها و عبارات همشینی با یهود، بنی اسرائیل، قوم موسی، اهل کتاب و اوتوالکتاب هستند، در هر گروه به ترتیب فراوانی آنها خواهند آمد و در پایان این مبحث، تمام همشینی‌ها به ترتیب فراوانی و به تفکیک همشینی با هریک از واژه‌ها و عبارات ذکر شده، در جدولی بیان خواهند شد. فراوانی آیات مربوط به هر همشینی در ادامه ذکر شده و تنها به ذکر اصل یک آیه به‌عنوان نمونه در هر بخش بسنده شده است.

۱-۲-۱. ویژگی یهود در ارتباط با خدا

در میان همشینی‌های بیانگر ویژگی‌های یهود، نه مورد به بیان حالات ایشان در روابط آنها با خداوند می‌پردازد.

الف) شرک (۳۴ بار)

در همشینی شرک و «قوم یهود»، علاوه بر لفظ شرک و مشتقات آن (۱۰)، مفاهیم و عباراتی مبنی بر پرستش غیرخدا (۱۶) از سوی ایشان و نفی و تقبیح این عمل آنها، فرزند قائل شدن ایشان برای خدا (۲) و درخواست دیدن خدا (۳) این رابطه را شکل می‌دهند. مفهوم پرستش غیرخدا از عباراتی دال بر به‌خدایی گرفتن گوساله (۹)، اله دیگر (۳)، بت (۱)، احبار و رهبان (۱) و عبارت ایای (۲) برداشت می‌شود؛ مثلاً «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عَزَبُ بْنُ اللَّهِ...» (توبه: ۳۰). ایمان یهود به غیرخدا نیز می‌تواند مصداقی از همین مؤلفه باشد. متعلق ایمان یهود در این دسته از آیات، طاغوت (۲) و دین خود یهود (۱) و در حقیقت دینی غیر از اسلام است. در یک مورد نیز در کنار طاغوت، جبت قرار گرفته است: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أَوْتُوا ضَيْبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ...» (نساء: ۵۱).

(ب) فسق (۱۳ بار)

فسق در همنشینی با قوم یهود، در دو مفهوم اعتقادی (۶) و عملی (۷) مطرح شده است؛ مانند: «وَلَوْ أَمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» (آل عمران: ۱۱۰).

(ج) افترا (هفت بار)

واژه‌هایی از مصدر افترا (۳) (افتری (۱)، یفترون (۱)، مُفْتَرِينَ (۱)) و عبارات «يَقُولُونَ... كَذِبٌ» (۲)، «يَقُولُونَ... مَا لَا يَعْلَمُونَ» (۱)، «لَا يَقُولُوا... أَلَّا الْحَقُّ» (۱)، بر همنشینی افترا و قوم یهود دلالت دارند. در این آیات، افترا به خداوند (۶) و مطلق افترا (۲) مطرح شده است: «وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتُخَلِّدْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يَخْلُفَ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۸۰).

(د) عصیان (پنج بار)

این ویژگی یهود، پنج بار و با مشتقات عصیان (عَصَا (۳) و عَصِيْنَا (۲)) با قوم یهود هم‌نشین شده است. همچنین در سه مورد از این آیات، اعتدا نیز هم‌نشین عصیان است: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا...» (مائده: ۷۸).

(ه) اعتدا (چهار بار)

اعتدا در همنشینی با قوم یهود، سه بار به صورت فعل استمراری (کانوا یعتدون) و یک بار به صورت فعل ماضی ساده آمده است. بنابراین چنین به نظر می‌رسد که قرآن اعتدای یهود را امری دائمی برای ایشان می‌شناسد: «وَأَذُّقْتُمُ يَمُوسَى لَنْ نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ... ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ» (بقره: ۶۱).

(و) بازداشتن از راه خدا (سه بار)

این ویژگی (صدّ عن سبیل الله) به صورت فعل مضارع (۲) (یصدّون (۱)، تصدّون (۱)) و مصدر (صدّ (۱)) در همنشینی با قوم یهود، قرار گرفته است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصَدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مِنْ أَمْنٍ...» (آل عمران: ۹۹).

(ز) طغیان (۲) و علوّ (۲)

«طغیان» و «علوّ» از ویژگی‌های یهود هستند که هر کدام دو بار در همنشینی با این قوم قرار گرفته‌اند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَعْلُودَةٌ غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ... وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ أَلَمًا مَا نُنزِلُ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا...» (مائده: ۶۴) «وَوَقَّضْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ... وَتَلَعَنَّ عَلْوًا كَبِيرًا» (اسراء: ۴).

۲-۱-۲. ویژگی‌های یهود در ارتباط با کتب آسمانی و آیات الهی

هم‌نشین‌های یهود در این حوزه معنایی، در چهار مورد بیانگر رفتار ایشان نسبت به کتب آسمانی و آیات الهی است:

(الف) پشت کردن به آیات حق (هشت بار)

این ویژگی هم‌نشین با «قوم یهود»، با توجه به واژه تَوَلَّى و عبارت «بَدَّ... وَرَاءَ ظَهْرِهِمْ» به دست می‌آید. پشت کردن به حکم خدا (۳)، پشت کردن به کتاب خدا (۳)، پشت کردن به اسلام (۱) و توحید (۱)، از جمله این موارد هستند: «وَكَيْفَ يَحْكُمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّورَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ...» (مائده: ۴۳).

(ب) جعل و تحریف کلام الهی (هشت بار)

در هشت مورد همنشینی قوم یهود با این مفهوم، چهار مورد تحریف کلام الهی و چهار مورد جعل کلام به‌عنوان کلام خداوند مطرح است. مورد اول از واژه «يَحْرَفُونَ» و مورد دوم از عبارات: «يَكْتَبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ»، «كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ»، «يَلُونُ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ... وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ» و «يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» برداشت می‌شود: «مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحْرَفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ...» (نساء: ۴۶).

(ج) فروش آیات الهی (پنج بار)

همنشینی عبارت «اشتری» (در صیغه‌های مختلف) به آیاتی (به) با قوم یهود، یکی دیگر از ویژگی‌های این قوم را به تصویر می‌کشد: «إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّورَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ... وَلَا تَشْتَرُوا بِهَا آيَاتِي تَمَنَّا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْزَلْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده: ۴۴). مراد از اشترای آیات الهی، فروش آیات ارزشمند خداوند در ازای مال و جاه دنیوی است که هم فناپذیر است و هم باطل، و این بهایی اندک برای آیات وحی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۳۷۳). بر اساس آیه شریفه «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ» (نساء: ۷۷)، اگر همه دنیا هم در برابر جابه‌جایی آیات الهی و تحریف آنها پرداخت شود، کالایی اندک است. در حقیقت متاع دنیایی قلیل و بی‌ارزش است و با ارزش‌های معنوی سنجیدنی نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۲، ص ۵۲۳).

(د) انکار آیات الهی (یک بار)

انکار آیات الهی، از جمله همنشینی‌هایی است که تنها یک بار و به دلیل همنشینی با عبارت «اوتوالکتاب» در این حوزه معنایی وارد شده است: «وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ...» (رعد: ۳۶).

۲-۱-۳. ویژگی‌های یهود در ارتباط با پیامبران الهی

همنشینی‌های بیانگر ویژگی‌های یهود در ارتباط با پیامبران الهی (حضرت موسی ﷺ و پیامبر اسلام ﷺ) چهار مورد است.

(الف) بهانه‌جویی (نه بار)

بررسی آیات حوزه معنایی قوم یهود، بهانه‌جویی را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های همنشینی این قوم نشان می‌دهد. از جمله نمونه‌های این بهانه‌جویی‌ها عبارت‌اند از: بهانه‌گیری در احکام الهی (۴)، بهانه خدای محسوس (۳) و کتاب آسمانی محسوس (۱)، بهانه نداشتن پیامبر (۱): «وَأِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً...» (بقره: ۵۵).

(ب) نافرمانی گستاخانه در برابر پیامبر خدا (هشت بار)

این مفهوم در آیات مختلفی از حوزه معنایی قوم یهود، با بیان مصادیقی از این نافرمانی مطرح شده است. این رفتار بیش از همه در برابر فرمان جنگ و قتال موسی ﷺ به ایشان (۴) صورت گرفته است: «فَقَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا...» (مائده: ۲۴).

ج) قتل و ترور (هفت بار)

پیامبر کشتی، از همشینی «قتل» و مشتقات آن با قوم یهود به دست می‌آید؛ در حالی که مفعول آن انبیای الهی هستند. در آیات مربوط به این قسمت، به جز دو مورد (قَتَلِهِمْ، قَتَلْنَا)، در باقی موارد صیغه‌های مضارع قتل (يَقْتُلُونَ (۳)، قَتَلْتُمْ (۲)) آمده است؛ همچنان که به جز دو مورد (هارون و عیسی علیه السلام)، در باقی موارد، کشته‌شدگان جمع انبیا (انبیا/ نبیین) (۳) یا گروهی از ایشان (فريقاً) (۲) هستند. بدین ترتیب می‌توان چنین نتیجه گرفت که این ویژگی به‌عنوان یک عمل دائمی در طول تاریخ و نسبت به جمع کثیری از انبیای الهی صورت گرفته است: «لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ» (مائده: ۷۰).

د) محاجه (سه بار)

واژه‌هایی از مصدر حاج (تُحَاجُّونَ (۳) حَاجُّونَ (۲) حَاجُّوكُمْ (۱)) در همشینی با قوم یهود افاده مفهوم مجادله می‌کنند: مانند «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِیْ إِبْرَاهِيمَ...» (آل عمران: ۶۵).

۲-۴. ویژگی‌های یهود در ارتباط با مؤمنان

همشینی‌های یهود در آیات مورد بررسی، در شش مورد روابط یهود با مؤمنان مسلمان را بیان می‌کنند.

الف) کتمان حقایق (۱۱ بار)

کتمان حقیقت و پنهان‌کاری از دیگر ویژگی‌های همشینی با قوم یهود در آیات است. آنچه بر این ویژگی دلالت می‌کند، همشینی افعالی از مصدر کتم (يَكْتُمُونَ (۲)، تَكْتُمُونَ (۲)، لَا تَكْتُمُوا (۱)، كَتَمَ (۱))، لیس (۲) (تَلْبِسُونَ (۱)، لَا تَلْبِسُوا (۱))، تُخْفُونَ (۲)، و یسرون (۱) است. مواردی که بر اساس این آیات، از سوی قوم یهود مورد کتمان قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: حق (۵)، کتاب خدا (۳)، شهادت خدا (۱)، گناه قتل (۱) و در یک مورد نیز مخفی‌کاری به‌طور مطلق بیان شده است؛ مانند: «يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ...» (آل عمران: ۷۱).

ب) نفاق (پنج بار)

نفاق از دیگر ویژگی‌های قوم یهود است که بر اساس روابط همشینی، برای این قوم ثابت می‌شود. عبارات مورد اشاره آیات در بیان این ویژگی عبارت‌اند از: تظاهر به ایمان در جمع مؤمنان (۴)، و برادری آنها با منافقان (۱). مانند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَتَّقُمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ أَمْنَا بِاللَّهِ وَ... وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ...» (مائده: ۶۱).

ج) ترس (سه بار)

واژه‌های رعب (۲) و خوف (۱) در همشینی با قوم یهود، بر ویژگی ترس در این قوم دلالت دارند. رعب، ترسی است که خداوند در دفاع از مؤمنان، در دل ایشان انداخته است و خوف، ترس بنی‌اسرائیل از فرعونیان است: «وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ...» (احزاب: ۲۶).

د) جنگ‌افروزی، خوش داشتن سختی مؤمنان و جاسوسی

این سه صفت از دیگر ویژگی‌های قوم یهود هستند که هر کدام تنها یک بار در همنشینی با آن قرار گرفته است: «كُلِّمًا أَوْ قَدُومًا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَالَهَا اللَّهُ...» (مائده: ۶۴)؛ «مَا يُوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ...» (بقره: ۱۰۵)؛ «وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا... سَمَاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ...» (مائده: ۴۱).

۲-۱-۵. ویژگی‌های یهود در ارتباط با مردم

ویژگی‌های به‌دست‌آمده در بررسی روابط همنشینی در آیات حوزه معنایی یهود، در دو مورد بیانگر حالات ایشان در مواجهه با مردم عادی است.

الف) دروغ (پنج بار)

دروغ، به‌عنوان ویژگی هم‌نشین یهود، از همنشینی واژه کَذِب (۲) و عبارت «إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (۲) به دست می‌آید. در یک مورد نیز نمونه‌ای از دروغ هم‌نشین قوم یهود شده است: «... وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ» (مائده: ۴۱).

ب) بخل (دو بار)

بخل دو بار در همنشینی با یهود قرار گرفته است: «... وَالَّذِينَ يَكْتَنِرُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (توبه: ۳۴).

۲-۱-۶. ویژگی یهود در روابط میان خود

در این مورد تنها یک ویژگی برای یهود به دست آمد و آن، ترک امر به معروف و نهی از منکر است که دو بار در همنشینی با یهود قرار گرفته است: «لِئِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ... كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ» (مائده: ۷۹). البته در بیان حالات و ویژگی‌های درونی و شخصی یهود، موارد دیگری ذکر شده‌اند که در ادامه تحت عنوان جداگانه‌ای می‌آیند.

۲-۱-۷. ویژگی‌های درونی و شخصیتی یهود

در میان آیات مورد بررسی، هشت مورد از پرتکرارترین هم‌نشین‌ها، بیانگر ویژگی‌ها و حالات درونی و شخصیتی یهود هستند؛ بدون اینکه به رابطه با گروه خاصی اشاره کنند:

الف) ارتکاب خطا و باطل با وجود علم به حقیقت (۳۰ بار)

یکی از مفاهیم هم‌نشین با «قوم یهود»، انجام کار خطا از سوی ایشان در شرایطی است که، به حقیقت علم دارند. از جمله این کارها، نفی اسلام و عقاید و احکام و تفاسیل آن (۱۰) (نفی قرآن (۵)، نفی پیامبر اسلام (۲)، تلاش برای بازگرداندن مسلمانان از دین خود (۲) و نفی قبله مسلمانان (۱))، اختلاف بعد علم (۵)، پوشاندن حق با باطل و کتمان حقایق از جمله کتاب الهی (۱۱)، دادن نسبت ناروا به خداوند (۲)، شرک (گوساله‌پرستی) (۲)، جعل و تحریف کتاب و کلام الهی با تعبیر تحریف کلم از جایگاه حقیقی‌اش، نوشتن کتابی با دست خود و نسبت دادن آن به

خداوند، و نیز پیچاندن زبان و کلام خود تا اینکه به مردم وانمود کنند این سخن کلام خداست (۸)، صد سبیل الله (۱)، آزار پیامبر خدا (۱)، امر دیگران به نیکی و فراموش کردن خود (۱)، بی‌توجهی به آموزه‌های کتاب دربارهٔ یهود و نصارا (۱) است. نکتهٔ درخور توجه در این قسمت آن است که بیشتر کارهایی که در این آیات به‌عنوان خطای قوم یهود با علم به خطا بودن آن مطرح شده، مواردی هستند که در دیگر آیات نیز به‌عنوان ویژگی «قوم یهود» در همنشینی با آن قرار گرفته‌اند و در این پژوهش نیز هریک ذیل عنوانی جداگانه کانون بحث قرار گرفته است: «تَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ...» (بقره: ۴۴).

(ب) اختلاف (۱۴ بار)

اختلاف و تفرقه میان قوم یهود، یکی از ویژگی‌های این قوم است که در بررسی‌های همنشینی کشف می‌شود. افعالی از مصدر اختلاف (۱۱) (يَخْتَلِفُونَ (۴)، اِخْتَلَفُوا (۴)، اِخْتَلَفَ (۳)، تَفَرَّقَ (۲) (فَرَّقَتْ (۱)، تَفَرَّقَ (۱))، تَقَطَّيْعَ (۱) (قَطَّعْنَا، درء (۱) (إِدْرَاتُمْ) بر این معنا دلالت دارند: «وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ» (بینه: ۴).

(ج) جهالت (۱۳ بار)

عبارات عدم تعقل (۷) (أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۴)، لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱)، إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ (۱)، لَا تَعْقِلُونَ (۱))، نداشتن علم (۲) (لَا يَعْلَمُونَ (۱)، لَا تَعْلَمُونَ (۱))، سفاقت (۱) (سُفَهَاءٌ، جهالت (۱) (قَوْمٌ تَجْهَلُونَ، مایشعرون (۱) و در یک مورد هم عبارت «خواستن چیز پست‌تر به جای بهتر» (أَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ) در همنشینی با قوم یهود دلالت بر مفهوم جهالت می‌کنند: «وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ... قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (اعراف: ۱۳۸).

(د) ضلالت و اضلال (۱۳ بار)

دو مفهوم گمراهی (ضلالت (۱۱)) و گمراه کردن (اضلال (۲)) نیز با قوم یهود هم‌نشین شده‌اند: «قَالَ يَا هَارُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا» (طه: ۹۲).

(ه) حرام‌خواری (هفت بار)

همنشینی قوم یهود با حرام‌خواری، از عبارات: خوردن حرام (أَكَلَ سَحْتًا (۳)، خوردن مال مردم (أَكَلَ أَمْوَالَ نَاسٍ) (۲)، أخذ ربا (۱)، و حرام ندانستن حرام خدا و رسول (لَا يَحْرَمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ) (۱)؛ به دست می‌آید: «... إِنْ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلْنَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ...» (توبه: ۳۴).

(و) دل‌بستگی به زندگی دنیوی (هفت بار)

از جمله عبارات هم‌نشین قوم یهود در دلالت بر این ویژگی، عدم تمنای مرگ (۲)، به دنبال زندگی پست دنیا بودن (۲)، حرص بر زندگی (۱) و علاقه‌مندی به عمر طولانی (۱) و دستیابی به زندگی دنیا به بهای آخرت (۱) هستند: «وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاتِهِ...» (بقره: ۹۶).

ز) پیروی از هوا و هوس (هفت بار)

آیات مربوط به همنشینی «قوم یهود» با واژهٔ هوا، در حقیقت اشاره به تلاش یهود برای حاکم کردن امیال و هوا و هوس خود بر انبیا و پیامبران و نفی انبیایی دارد که نفس ایشان آنها را نمی‌پسندید. از همین رو خداوند در چهار مورد از این آیات، پیامبر را از تبعیت از هوای ایشان برحذر داشته است. عبارات «لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ» (۲)، «لَنْ أَتَّبِعَ أَهْوَاءَهُمْ» (۲)، «أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ» (۲) بر این ویژگی قوم یهود دلالت دارند. اضافه شدن «اهواء» به ضمیر «هم» در تعبیر «هواثمهم» و نیز عبارت «لَا تَهْوَى أَنْفُسَكُمْ» بر این نکته دلالت می‌کند که اینها اهل هوا و هوس، یا پیرو هوا و هوس خویش بوده‌اند. ضمن اینکه در یک مورد نیز خود این گروه از پیروی هوای گذشتگان نهی شده‌اند: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَصْلُوا كَثِيرًا» (مائده: ۷۷).

ح) حب مال (چهار بار)

مال دوستی به‌عنوان یکی از ویژگی‌های قوم یهود، از همنشینی افعالی از مصدر کنز (۳) «كَانَتْهُمْ» (۱)، یکنزون (۱)، «تَكْنِزُونَ» (۱) و عبارتی در تفسیح و نفی پیامبری که از مال دنیا بی‌بهره است (وَلَمْ يَأْتِ سَعَةً مِنَ الْمَالِ) به دست می‌آید: «... وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ...» (توبه: ۳۴).

۱-۲ ویژگی‌های مشترک یهود در ارتباط با تمام موارد ذکر شده

در پایان این بخش، گروهی از همشینی‌های یهود خواهند آمد که حالات و رفتارهایی از این قوم را در ارتباطات ایشان با چندین گروه از موارد ذکر شده نشان می‌دهند:

الف) کفر (۴۵ بار)

در مجموع آیات مربوط به همنشینی «قوم یهود» با کفر، ۱۸ بار متعلق کفر، آیات الهی و یک بار هم فرشتگان و رسولان هستند. در ۲۶ مورد باقی مانده نیز کفر به‌طور عام و بدون متعلق خاصی به کار رفته است. گفتنی است که در آیات مربوط به کفر به آیات الهی، شش بار منظور از آیات، آیات قرآن است: «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَأَمِنُوا بِالذِّكْرِ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَآكْفَرُوا ءَاخِرَهُ...» (آل عمران: ۲۰).

ب) ظلم (۲۳ بار)

ظلم، در همنشینی با «قوم یهود»، چهار بار به‌عنوان ظلم ایشان به خود مطرح شده و در باقی موارد، مفعول مشخصی ندارد و مطلق ظلم عنوان شده است. نکتهٔ دیگر اینکه بر اساس تعدادی از آیات مورد بررسی، نمونه‌هایی از ظلم قوم یهود به دست می‌آید؛ بدین ترتیب، شرک (۶) (شرک (۱)، گوساله‌پرستی (۵))، عمل نکردن طبق حکم و دستور الهی (۶) (تبدیل قول خداوند (۴)، لم یحکم بما أنزل الله (۱)، پشت کردن به حکم قتال (۱))، کتمان شهادت خداوند (۱) و افترا به خداوند (۱) از جمله آنهاست: «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ...» (نساء: ۱۶۰).

ج) خودبرتربینی (۱۸ بار)

در همنشینی خودبرتربینی با «قوم یهود»، به جز دو مورد که واژه‌های غَرَّ (۱) و يَتَكَبَّرُونَ (۱) در آیات آمده است، در باقی موارد به رفتارها و گفتارهایی از ایشان اشاره شده که نشان از غرور و تکبر آنها دارند. تکبر قوم یهود، در برابر ناس (۱۰)، پیامبر (۳)، خداوند (۱)، مؤمنان (۱)، نصارا (۱) و اُمیین (۱) بوده و در یک مورد نیز تکبر به‌طور کلی مطرح شده است: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ...» (مائده: ۱۸).

د) بی‌ایمانی (۱۳ بار)

در مجموع ۱۳ بار همنشینی بی‌ایمانی و «قوم یهود»، شش بار بی‌ایمانی به‌طور مطلق، شش بار بی‌ایمانی نسبت به آیات الهی و یک بار عدم گرایش به دین حق مطرح شده است. عبارات «لَا يُؤْمِنُونَ» (۵)، «لَا يُؤْمِنُوا» (۱)، «إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» (۴)، «مَا أَوْلَتْكَ بِالْمُؤْمِنِينَ» (۱)، «لَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ» (۱)، «لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ» (۱)، بیانگر همنشینی این مفهوم با «قوم یهود» هستند: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ... مِنْ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ...» (توبه: ۳۹).

ه) پیمان‌شکنی (۱۱ بار)

واژه‌ها و عبارات «أَخَذَ مِيثَاقَ... ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ» (۵) (در سه مورد تَوَلَّيْتُمْ را می‌توان در تقدیر گرفت)، نقض میثاق (۲)، نبذ (۱)، مَعْرُضُونَ (۱)، خلف وعده (۱) و خیانت در امانت (۱) در آیات مورد بررسی، از پیمان‌شکنی قوم یهود حکایت دارد. این رفتار در برابر خدا (۸)، پیامبر خدا (۱) و مؤمنان (۱) صورت گرفته و در یک مورد نیز پیمان‌شکنی به‌طور مطلق مطرح شده است: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ... ثُمَّ كَفَرُوا تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ» (بقره: ۸۳).

و) عداوت (هفت بار)

عداوت با مؤمنان (۲)، ملائکه (۲)، خدا (۱)، عداوت بین خود یهود (۲) و عداوت فرعونیان با ایشان (۱) از نمونه‌های دشمنی یهود در آیات مورد بررسی است. واژه‌های عَدُوٌّ (۳)، عَدَاوَةٌ (۲)، عَدُوَانٌ (۱)، و عَدُوٌّ (۱)، واژه‌های به‌کار گرفته‌شده برای افاده مفهوم دشمنی هستند: «لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ...» (مائده: ۸۲).

ز) تکذیب (هفت بار)

تکذیب در آیات مورد بررسی، تکذیب پیامبران (۴) و تکذیب آیات الهی (۳) را شامل می‌شود: «... وَإِذْ كَفَفْتُمْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ» (مائده: ۱۱۰).

ح) فساد (هفت بار)

همنشینی فساد با «قوم یهود»، از طریق واژه‌های مشتق فساد (۵)، خَبَالٌ (۱) و عَشَى (۱) صورت گرفته است: «وَوَضِعْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ...» (اسراء: ۴).

(ط) استهزا (نشس بار)

در آیات مورد استناد در همنشینی «قوم یهود» و استهزا، واژه‌های هزواً (۲) و طعن (۱) و نمونه‌های گفتاری (۳) از استهزای حکم خدا (۳)، دین خدا (۲) و خود خداوند (۱) توسط این قوم، بر این رفتار قوم یهود دلالت دارند: «یا ایُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ...» (مائده: ۵۸).

(ی) بغی (پنج بار)

بغی، در حوزه معنایی مورد بررسی، سه بار بین خود یهود (بغياً بینهُم) (۳) صورت گرفته و دو بار نیز به صورت مطلق آمده است: (بغیهم) (۱) و (بغياً) (۱): «وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَمًا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ... ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ» (انعام: ۱۴۶).

(ک) اذیت و آزار پیامبر خدا و مؤمنان (سه بار)

اذیت و آزار، یکی از ویژگی‌های رفتاری قوم یهود در برابر پیامبر خدا (۱) (تؤذوننی) و مؤمنان (۲) (أذی کثیراً، تَقْمُونَ) است: «... وَ لَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا...» (آل عمران: ۱۸۶).

(ل) حسادت (دو بار)

حسادت ویژگی آخر یهود در این قسمت است که دو بار در همنشینی با این قوم قرار گرفته است: «وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ...» (بقره: ۱۰۹).

جدول ۲: همشینی‌های بیانگر ویژگی‌های قوم یهود

همشینی‌ها	یهود	بنی اسرائیل	قوم موسی	اهل کتاب	آهول الکتاب	شعب بخار	همشینی‌ها	یهود	بنی اسرائیل	قوم موسی	اهل کتاب	آهول الکتاب	شعب بخار
۱	کفر	۲۰	۳	-	۱۵	۷	۴۵	۲۳	۵	۲	-	-	۷
۲	شرک	۱۲	۸	۵	۴	-	۲۹	۲۴	۵	-	۱	۱	۷
۳	انجام کار غلط با وجود علم به حقیقت	۶	۳	۲	۶	۹	۲۶	۲۵	۲	۱	-	۲	۶
۴	ظلم	۱۰	۵	۷	۱	-	۲۳	۲۶	۲	۱	-	۲	۵
۵	تکبر	۹	۱	۱	۳	۴	۱۸	۲۷	۵	-	-	-	۵
۶	اختلاف	۲	۶	۱	۱	۴	۱۴	۲۸	۲	۲	-	۱	۵

همشسین ها	یهود	بنی اسرائیل	قوم موسی	اهل کتاب	اوتوالکتاب	جمع موارد	همشسین ها	یهود	بنی اسرائیل	قوم موسی	اهل کتاب	اوتوالکتاب	جمع موارد
بی ایمانی	۷	۲	-	-	-	۵	آیات الهی	۳	۱	-	-	۳	۲۹
جهالت	۳	۳	۲	۲	۱	۴	اعتداء	۲	۳	۲	۳	۲	۳۰
ضاللت	-	۲	۳	۲	-	۴	مال دوستی	۲	۶	۳	۲	۲	۳۱
فسق	۲	۲	۵	۳	-	۳	ترس	۱	۳	۵	۲	۱	۳۲
پیمان شکنی	۱	۷	۱	-	-	۳	صدسبیل	-	۲	۱	-	-	۳۳
کتمان حقایق	۵	۱	-	۳	۱	۳	اذیت و آزار مؤمنان	-	۳	-	۱	۱	۳۴
پهانه جویی	-	۶	-	۳	۱	۳	محتاجه	-	۳	-	۲	۱	۳۵
پشت کردن به آیات حق	۳	۱	-	-	-	۳	ایمان به غیر خدا	-	-	-	۲	۱	۳۶
جعل و تحریف کلام الهی	۵	۱	-	-	-	۲	بخل	-	۲	-	-	۱	۳۷
عداوت	۵	۲	-	-	-	۱	جاسوسی	-	-	-	-	-	۳۸
نافرمانی گستاخانه از پیامبر	۲	۱	۵	-	-	۱	جنگ افروزی	-	-	۵	-	-	۳۹
افترا	۲	-	۲	۲	۱	۲	حسادت	۱	۲	۲	۱	۱	۴۰
قتل و ترور	۳	۱	۱	۱	-	۱	خوش داشتن سختی مؤمنان	-	۲	۱	۲	-	۴۱
تکذیب	۳	۴	-	-	-	۲	طفیان	۱	-	-	-	-	۴۲
حرام خواری	۴	-	-	-	-	۲	علو	۲	۲	-	-	-	۴۳
فساد	۳	۳	-	-	-	۱	انکار آیات	-	۱	-	-	-	۴۴

۲-۲. همنشین‌های بیانگر عاقبت یهود در قرآن

در آیات بررسی شده در حوزه معنایی «یهود»، می‌توان دسته دومی از همنشین‌ها را یافت که بیانگر سرانجام این قوم در دنیا و آخرت هستند. این گروه از همنشین‌ها به تفکیک درباره عاقبت دنیوی و اخروی این قوم و به ترتیب فراوانی هر مورد، در ادامه می‌آیند.

۲-۲-۱. همنشین‌های بیانگر عاقبت یهود در دنیا

در میان همنشین‌های یهود در این موضوع، هشت مورد به عاقبت این قوم در دنیا اشاره دارند که عبارت‌اند از:

(الف) نفرین الهی (۱۳ بار)

لعنت خداوند در آیات، به‌عنوان یکی از موارد برخورد خداوند با قوم یهود، به دلیل کفر (۶)، نقض میثاق (۱) و استهزای خداوند (۱) از سوی ایشان مطرح شده است. در سه مورد نیز لعن به صورت مطلق آمده است. صیغه‌های مختلفی از فعل «لَعَنَ» دلالت بر این موضوع دارند: لَعَنَ... الله (۹) (لَعَنَهُمُ اللهُ (۳)، لَعَنَّا (۲)، يَلْعَنُ اللهُ (۱)، لَعْنَةُ اللهُ (۱)، لَعْنَةُ اللهِ (۱)، نَلْعَنُهُمْ (۱) و صیغه مجهول (۲) (لُعِنَ (۱) و لُعِنُوا (۱)): «وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللهِ مَعْلُوفَةٌ غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ وُلُعِنُوا بِمَا قَالُوا...» (مانده: ۶۴).

افزون بر این، قرآن کریم گاهی بدون کاربرد واژه لعن، با تعابیر دیگری یهود را نفرین کرده است. عبارات «غَلَّتْ أَيْدِيهِمْ» و «قَاتَلَهُمُ اللهُ»، دو نفرینی هستند که در نتیجه استهزا و شرک یهود، از سوی خداوند درباره ایشان به کار رفته‌اند: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عِزُّهُ ابْنُ اللَّهِ... قَاتَلَهُمُ اللهُ أَنْى يُؤْفَكُونَ» (توبه: ۳۰).

(ب) غضب خدا (ده بار)

غضب خداوند از دیگر مواردی است که به‌عنوان نتیجه کار و عاقبت قوم یهود در آیات مطرح شده است. عبارات و واژه‌های دال بر این همنشینی که همگی از مصدر «غضب» هستند، عبارت‌اند از: بَأَسُ وَبِغَضٍ (۳)، غَضِبُ مَنْ رِبِّهِمْ (ربکم) (۲)، غَضِبَى (۲)، غَضِبَ عَلَيْهِ (۱) و غَضِبَ (۱). علت غضب، برخی از اعمال این قوم از جمله کفر و قتل انبیا (۲)، گوساله‌پرستی (۲)، طلغیان (۲) و کفر ایشان به تورات (۱) و قرآن (۱) است: «إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيِّئًا لَلَّامٌ غَضِبُ مَنْ رِبِّهِمْ وَذَلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ» (اعراف: ۱۵۲). سخط خداوند نیز تنها در یک مورد به‌عنوان عاقبت کار قوم یهود مطرح شده است: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ... تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ» (مانده: ۷۸-۸۰).

(ج) خواری و ذلت (هشت بار)

با توجه به همنشینی واژه‌های ذلت (۳)، خزی (۲)، مَسَكَنَتْ (۲) و صاعرون (۱) با قوم یهود، می‌توان خواری دنیوی را به‌عنوان یکی دیگر از عواقب کار این قوم برشمرد که در نتیجه اعمالی مانند کفر (۵) (در چهار مورد با قتل انبیا همراه است)، بی‌ایمانی (۱)، گوساله‌پرستی (۱) و نفاق (۱) به آن دچار می‌شوند: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا... لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مانده: ۴۱).

د) قساوت قلب (چهار بار)

سختی و قساوت قلب (۴) (قَسَتْ قُلُوبَهُمْ (۲)، أَشَدَّ قَسْوَةً (۱)، قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً (۱)) نیز یکی از ویژگی‌هایی است که در نتیجه قتل نفس (۲) و نقض میثاق (۱) آنها به وجود می‌آید. در یک مورد نیز بدون اشاره به دلیلی خاص تنها قساوت قلب ایشان در آیه مطرح شده است: «... وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أَوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ» (حدید: ۱۶).

ه) هلاکت و نابودی (سه بار)

تَبَّرَ (۲) و هَوَى (۱) دو مصدری هستند که برای اشاره به هلاکت و نابودی قوم یهود در نتیجه فساد (۲) و طغیان (۱) این قوم به کار رفته‌اند: «یا بنی اسرائیل قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ... وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى ﴿۱﴾ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» (طه: ۸۰-۸۲).

و) آلودگی قلب (دو بار)

آلودگی قلب (۲) (طَبَعَ قَلْبٌ (۱)، لَمْ يرد الله أَنْ يَطْهَرَ قُلُوبَهُمْ (۱))، در نتیجه کفر (۲)، از جمله حالات یهود است که بر ایشان عارض می‌شود: «... وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا... أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطْهَرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (مائده: ۴۱).

۲-۲-۲. همنشین‌های بیانگر عاقبت یهود در آخرت

همنشین‌هایی که بیان‌کننده سرانجام یهود در آخرت هستند، عبارت‌اند از:

الف) عذاب جهنم (۱۴ بار)

عذاب اخروی، پرتکرارترین همنشین در بیان عاقبت قوم یهود، در آیات حوزه معنایی مورد بررسی است. عذاب الیم (۴)، عذاب جاودان (۴) (فِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (۱)، فَلَا يَخْلُفُ عَنْهُ لَمُ الْعَذَابِ (۱)، وَمَا هُوَ بِمَزْحَجِهِ مِنَ الْعَذَابِ (۱)، تَحِلَّاسَبْتَهُ لَمُ بِمَقَاةٍ مِنَ الْعَذَابِ (۱))، نار جهنم (۲)، عذاب عظیم (۱)، عذاب مهین (۱)، عذاب شدید (۱) و مطلق عذاب (۱)، عبارات دال بر عذاب اخروی «قوم یهود» در قرآن هستند. در این آیات به اعمالی اشاره شده که یهود را مستوجب این عذاب کرده‌اند. این اعمال عبارت‌اند از: کفر (۶)، مال‌اندوزی (و عدم انفاق آن) (۲)، تکبر (۲)، عهدشکنی (۱)، دل‌بستگی به زندگی دنیا (۲) (فروش آخرت به دنیا (۱) و حرص بر زندگی دنیا (۱)) و نفاق (۱): «فَيُظَلِّمُونَ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا... وَأَكَلُوا لَهُمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ لَعْنًا أَلِيمًا» (نساء: ۱۶۱).

ب) ویل (سه بار)

ویل، به معنای هلاکت و عذاب شدید، و نیز به معنای اندوه، خواری و پستی و هر چیزی است که آدمی سخت از آن حذر می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۵). ویل، در این آیه سه بار در همنشینی با قوم یهود که در واقع مرجع موصول «الَّذِينَ» است قرار گرفته و در نتیجه جعل کتاب و نسبت دادن آن به خدا و مال‌اندوزی از طریق آن

پیش آمده است: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ» (بقره: ۷۹).

ج) خسران (سه بار)

خسران، از جمله عواقب کار قوم یهود است که در نتیجه کفر به قرآن (۲) و نیز گوساله‌پرستی (۱) به آن گرفتار می‌شوند: «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (بقره: ۱۲۱).

د) رویگردانی خدا از ایشان (دو بار)

عدم تکلم خداوند با ایشان و ننگریستن به آنها در آیه زیر، که بیانگر بی‌توجهی و روی گردانی خداوند نسبت به این قوم است؛ از نتایج عهدشکنی قوم یهود است: «وَمِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ... إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (آل عمران: ۷۵-۷۷).

۳-۲. مؤلفه‌های معنایی «یهود» در قرآن

پس از کشف ویژگی‌های قوم یهود، بر اساس همنشین‌های واژه‌ها و عباراتی که در قرآن کریم به این قوم اشاره دارند، بررسی دقیق‌تر آنها و ارجاع مصادیق به مفاهیم کلی، ما را به این نتیجه می‌رساند که برخی از ویژگی‌های مذکور دارای معانی مشترکی با هم هستند. به این ترتیب می‌توان آنها را در ده گروه دسته‌بندی کرد. به عبارت دیگر، ویژگی‌های گسترده به دست آمده برای قوم یهود ذیل ده مؤلفه معنایی قرار می‌گیرند. این مؤلفه‌ها به ترتیب فراوانی مرتب شده‌اند. بنابراین مؤلفه‌های نخست و دارای فراوانی بیشتر، شاخصه‌های اصلی یهود، و هرچه به سمت مؤلفه‌های بعدی می‌رویم شاخصه‌های فرعی یا ناشی شده از موارد نخست را نشان می‌دهند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

۱. انکار خدا و آیات الهی (۱۰۶): نخستین مؤلفه معنایی قوم یهود، از نظر فراوانی، «انکار خداوند» است. این مؤلفه، از شش ویژگی قوم یهود شامل: کفر، شرک، بی‌ایمانی، تکذیب، جعل و تحریف کلام الهی و انکار آیات الهی حاصل می‌شود؛

۲. تجاوزگری (۶۹): مؤلفه معنایی «تجاوزگری» از نظر فراوانی، دومین مؤلفه معنایی قوم یهود در قرآن کریم است و شامل ۱۱ ویژگی ظلم، حرام‌خواری، قتل و ترور (پیامبران)، فساد، عصیان، بغی، اذیت و آزار پیامبران خدا و مؤمنان، صد سبیل‌الله، جنگ‌افروزی و علو می‌شود؛

۳. پوشاندن حقایق (۵۷): سومین مؤلفه معنایی قوم یهود، تحت عنوان «پوشاندن حقایق»، با کنار هم قرار دادن ویژگی‌های همنشین این قوم شامل: انجام کار خطا با علم به خطا بودن آن، کتمان حقایق، پشت کردن به آیات حق، و افترا و دروغ به دست می‌آید؛

۴. نافرمانی در برابر خدا و پیامبران (۳۵): ویژگی‌های فسق، بهانه‌جویی، نافرمانی گستاخانه در برابر پیامبر، محاجه و ترک امر به معروف و نهی از منکر، تشکیل دهنده چهارمین مؤلفه معنایی قوم یهود، یعنی «نافرمانی در برابر خدا و پیامبران» هستند؛

۵. گرایش به دنیا و مادیات (۲۵): دنیادوستی، هوا و هوس، فروش آیات الهی و بخل، ویژگی‌هایی هستند که در کنار هم، مؤلفه معنایی «گرایش به مادیات» را به‌عنوان پنجمین مؤلفه قوم یهود تشکیل می‌دهند؛

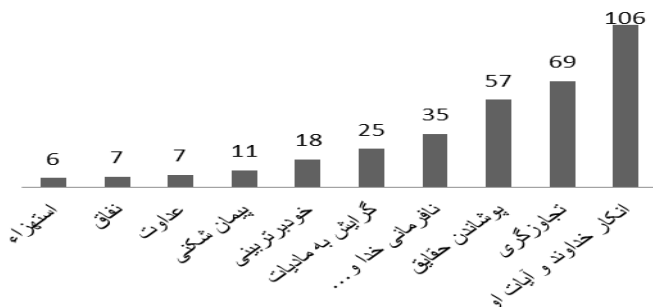
۶ و ۷ و ۸ و ۹. تکبر (۱۸)، پیمان‌شکنی (۱۱)، دشمنی (۷) و استهزا (۶): این ویژگی‌ها هر یک به‌تنهایی تشکیل‌دهنده یک مؤلفه معنایی برای قوم یهود است؛

۱۰. نفاق (۷): مؤلفه آخر معنایی برای قوم یهود، مؤلفه نفاق است که بر اساس سه ویژگی نفاق، جاسوسی و خوشحالی از سختی مؤمنان به دست می‌آید.

جدول ۳: مؤلفه‌های معنایی قوم یهود

مؤلفه معنایی	همنشین‌ها	فراوانی	همنشین‌ها	فراوانی	مؤلفه معنایی	همنشین‌ها	فراوانی
انکار خداوند و آیات (۱۰)	کفر	۴۵	بی‌ایمانی	۱۳	نافرمانی در برابر خدا و پیامبر (۳۵)	فسق	۱۳
	شرک	۳۲	تکذیب	۷		بهانه‌جویی	۹
	جعل و تحریف کلام الهی	۸	انکار آیات	۱		ترک امر به معروف و نهی از منکر	۲
تجاوزگری (۶۹)	ظلم	۲۳	فساد	۷	گرایش به مادیات (۲۵)	دل‌بستگی به دنیا	۷
	حرام‌خواری	۷	قتل و ترور	۷		هوا و هوس	۷
	طغیان	۲	عصیان	۵		فروش آیات الهی	۵
	بغی	۵	صدسبیل	۳		مال‌دوستی	۴
	اعتدا	۴	اذیت و آزار پیامبر خدا و مؤمنان	۳		بخل	۲
	علو	۲	جنگ‌افروزی	۱			
پوشاندن حقایق (۵۷)	انجام کار غلط یا وجود علم به حقیقت		۳۰	نفاق (۷)	نفاق	۵	
	کتمان حقایق		۱۱		خوش داشتن سختی مؤمنان	۱	
	پشت کردن به آیات حق		۸		جاسوسی	۱	
	افترا	۷	دروغ				۵
تکبر	خودبرتربینی		۱۸	عداوت	۷		
پیمان‌شکنی	پیمان‌شکنی		۱۱	استهزا	۶		

نمودار ۱: مؤلفه‌های معنایی یهود



همچنین هم‌نشین‌هایی را که به بیان سرانجام قوم یهود در دنیا و آخرت و رفتار خداوند در برابر این قوم می‌پردازند، می‌توان ذیل شش مؤلفه جای داد (صرف‌نظر از دنیوی و اخروی بودن آن). بدین ترتیب مؤلفه‌های لعن و نفرین الهی (۱۶) از کنار هم قرار دادن هم‌نشین‌های لعن، ویل و نفرین؛ خشم الهی (۱۰) از مجموع مؤلفه‌های غضب و سخط؛ خواری و حقارت دنیا و آخرت (۱۰) از کنار هم قرار دادن دو هم‌نشین خواری دنیوی و روی‌گردانی خدا از ایشان در قیامت؛ بیماری قلب (۶) بر اساس هم‌نشین‌های قساوت و آلودگی قلب به دست می‌آیند. هریک از هم‌نشین‌های عذاب جهنم (۱۴)، هلاکت و نابودی (۳) و خسران (۳) نیز به‌تنهایی تشکیل یک مؤلفه را می‌دهد.

در پایان گفتنی است که قوم یهود را می‌توان از جنبه‌های مختلفی مورد بحث و پژوهش قرار داد. در این مقاله مؤلفه‌های معنایی «یهود» در قرآن کریم با استفاده از روش معناشناسی بررسی شد. مجموع مؤلفه‌های مذکور را می‌توان در سه مقوله کلی و کلان، یعنی مؤلفه‌های اعتقادی، اخلاقی و عملی دسته‌بندی کرد.

نتیجه‌گیری

با کاربرد روش معناشناسی در پژوهش‌های مربوط به متون مقدس، می‌توان به نتایج جدید و دقیق‌تری نسبت به روش‌های سنتی دست یافت. یکی از این نتایج، کشف مجموعه مؤلفه‌های معنایی و نیز کشف مؤلفه‌های قوی و ضعیف یک مفهوم بر اساس روابط هم‌نشینی و فراوانی آنها در متون مقدس است. این روش همچنین می‌تواند در مواردی که در تبیین یک مفهوم یا تعریف آن، بین محققان اختلاف نظر وجود دارد راه‌گشا باشد. در این مقاله، واژه «یهود» با روش مذکور بررسی شد و مؤلفه‌های زیر به دست آمد.

مؤلفه‌های معنایی به‌دست‌آمده از معناشناسی «یهود» در قرآن، در دو گروه قرار می‌گیرند: گروه اول مؤلفه‌های معنایی «یهود» بر اساس ویژگی‌های این قوم، و گروه دوم، مؤلفه‌های بیانگر سرانجام این قوم هستند. مؤلفه‌های نشانگر ویژگی‌های این قوم به ترتیب فراوانی و اولویت، عبارت‌اند از: انکار خدا و آیات الهی، تجاوزگری، کتمان حق،

نافرمانی در برابر خدا و پیامبران، گرایش به دنیا و مادیات، تکبر، پیمان شکنی، دشمنی، استهزا و نفاق. این مؤلفه‌ها در سه بعد اخلاقی، اعتقادی و عملی به بیان ویژگی‌های این قوم پرداخته‌اند و ویژگی‌های «یهود» را از دو جنبهٔ درونی و بیرونی نیز بیان می‌کنند.

بدین ترتیب مؤلفه‌های معنایی «یهود»، با توجه به ابعاد سه‌گانهٔ فوق عبارت‌اند از:

الف) مؤلفه‌های اخلاقی (۱۴۹): پوشاندن حقایق (۵۷)، گرایش به مادیات (۲۵)، خودبرتربینی (۱۸)، اختلاف (۱۴)، جهالت (۱۳)، پیمان شکنی (۱۱)، استهزا (۶)، ترس (۳) و حسادت (۲)؛
 ب) مؤلفه‌های اعتقادی (۱۲۶): انکار خدا (۱۰۶)، ضلالت (۱۳) و نفاق (۷)؛
 ج) مؤلفه‌های عملی (۱۱۲): تجاوزگری (۶۹)، نافرمانی در برابر پیامبران (۳۵) و عداوت و دشمنی (۷).
 از سوی دیگر مؤلفه‌های اخلاقی، ضلالت، جهالت، ترس و حسادت ویژگی‌های درونی قوم یهود هستند و دیگر مؤلفه‌ها ویژگی‌های بیرونی این قوم را بیان می‌کنند.

نمودار ۲: مؤلفه‌های اخلاقی، اعتقادی و عملی یهود



مؤلفه‌های معنایی بیانگر سرانجام قوم یهود به ترتیب فراوانی و اولویت عبارت‌اند از: عذاب جهنم (۱۴)، خشم الهی (۱۰)، بیماری قلب (۶)، هلاکت و نابودی در دنیا (۳) و خسارت در آخرت (۳). افزون بر این، لعن و نفرین الهی (۱۶) و خواری و حقارت (۱۰) نیز مواردی است که در دنیا و آخرت هر دو به آن دچار خواهند شد.

پیوست ۱

یهود ۲۲ بار:

بقره: ۱۱۳ (دو بار)، ۱۲۰؛ آل عمران: ۶۷ مائده: ۱۸، ۵۱، ۶۴، ۸۲ توبه: ۳۰ // هادوا: بقره: ۶۲، ۱۱۱، ۱۳۵، ۱۴۰؛ نساء: ۴۶، ۱۶۰؛ مائده: ۴۱، ۶۲ انعام: ۹۱، ۱۴۷؛ نحل: ۱۱۸؛ حج: ۱۷؛ جمعه: ۷.

بنی اسرائیل ۴۰ بار:

بقره: ۴۰، ۴۷، ۸۳، ۱۲۲، ۲۱۱، ۲۴۶؛ آل عمران: ۴۹، ۹۳؛ مائده: ۱۲، ۳۲، ۷۰، ۷۲، ۷۸، ۱۱۰؛ اعراف: ۱۰۵، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۳۸؛ یونس: ۹۰، ۹۳؛ اسراء: ۲، ۴، ۱۰۱، ۱۰۴؛ طه: ۴۷، ۸۰، ۹۴؛ شعراء: ۱۷، ۲۲، ۵۹، ۱۹۷؛ نمل: ۷۶؛ سجده: ۲۳؛ غافر: ۵۳؛ زخرف: ۵۹؛ دخان: ۳۰؛ جائیه: ۱۶؛ احقاف: ۱۰؛ صف: ۶، ۱۴.

قوم موسی ﷺ ۲۱ بار:

قومه: بقره: ۵۴، ۶۰، ۶۷؛ مائده: ۳۰؛ اعراف: ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۵۰، ۱۵۵؛ یونس: ۸۳؛ ابراهیم: ۶؛ طه: ۸۶؛ صف: ۵ //
قوم موسی: اعراف: ۱۴۸، ۱۵۹؛ یونس: ۸۴؛ قصص: ۷۶ // قومک: (۵) ابراهیم: ۵؛ طه: ۸۵ // قومی: اعراف: ۱۴۲ //
قومکما: یونس: ۸۷

اهل کتاب ۳۱ بار:

بقره: ۱۰۵، ۱۰۹؛ آل عمران: ۶۴، ۶۹، ۶۵، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۵، ۹۸، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۹۹؛ نساء: ۱۲۳، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۷۱؛
مائده: ۱۵، ۱۹، ۵۹، ۶۵، ۶۸، ۷۷؛ عنکبوت: ۴۶؛ احزاب: ۲۶؛ حدید: ۲۹؛ حشر: ۲ و ۱۱؛ بینه: ۱ و ۶
اوتوالکتاب ۳۰ بار:

اوتوا الكتاب: بقره: ۱۰۱، ۱۴۴، ۱۴۵؛ آل عمران: ۱۹، ۲۰، ۱۰۰، ۱۸۶، ۱۸۸؛ نساء: ۴۷، ۱۳۱؛ مائده: ۵ (۲ بار)، ۵۷،
توبه: ۲۹؛ حدید: ۱۶؛ مدثر: ۳۱؛ بینه: ۴ // اوتوا نصيبا من الكتاب: آل عمران: ۲۴؛ نساء: ۴۴، ۵۱ // اوتوه: بقره: ۲۱۳ //
أتیناهم الكتاب: بقره: ۱۲۱، ۱۴۶؛ انعام: ۲۰، ۸۹، ۱۱۴؛ رعد: ۳۶؛ قصص: ۵۲؛ عنکبوت: ۴۷؛ جائیه: ۱۶.

منابع

- آلوسی، محمود، ۱۴۱۵ق، *روح المعانی*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمدین مکرم، ۱۴۱۶ق، *لسان العرب*، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹، *تسمیم*، قم، اسراء.
- شفیعی، فاطمه، و محمود کریمی، ۱۳۹۱، *دشمن‌شناسی با تکیه بر معنی‌شناسی واژه «عدو» در قرآن کریم*، تهران، دانشکده علوم و فنون قرآن.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- طوسی، محمدین حسن، بی‌تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، قم، هجرت.
- مصطفوی، حسن، ۱۳۶۸، *التحقیق فی کلمات القرآن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.